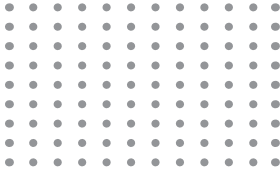




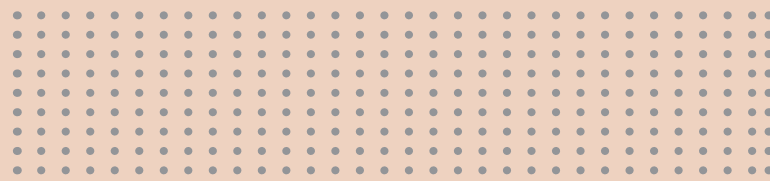
حسین صادقی

بهورزخانه بهداشت «همت آبادگاه»
دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان



خاطره
بهورزی

قاتل خاموش!



خانه بهداشت برگشتم و با دستگاه فشارسنج به جمع آنها پیوستم و بعد از احوال‌پرسی فشارخونشان را کنترل کردم. حدسم درست بود، فرد سالمند فشارخون بالا در حد پرخطر و نیازمند ارجاع فوری داشت. در شرح حالش متوجه شدم سردرد شدید نیز دارد و چون با روحیات سالمند آشنایی کامل داشتم و می‌دانستم اگر به او بگویم فشارت بالاست، ممکن است باعث بالا رفتن بیشتر فشارخون و خطر بیشتر برای او بشود، با خانواده‌اش تماس گرفتم و با شرح دادن ماجرا و اهمیت موضوع، خانواده ایشان مراجعه کردند و پس از مراجعه به پزشک و اقدام‌های اورژانسی مشخص شد از یک خطر بزرگ نجات پیدا کرده است که چه بسا عدم مراجعه می‌توانست آسیب جبران‌ناپذیری را متوجه سالمند کند.

بعدها برای او توضیح دادم که به فشارخون بالا «قاتل خاموش» می‌گویند چون ممکن است کسی متوجه علائم آن نشود ولی عوارض جبران‌ناپذیری به دنبال دارد و از آن موقع به بعد مرتب برای کنترل فشارخون مراجعه می‌کند و به بقیه هم توصیه می‌کند که مرتب فشار خون خود را کنترل کنند.

بهترین خاطره برای بهورز در کنار مردم بودن و با مردم زندگی کردن است که لحظه به لحظه آن خاطره است.

برای بهورز «قاتل خاموش» واژه‌ای آشناست ولی برای مردم این واژه کمی ناآشنا و شاید ترسناک باشد. یک روز بعد از اتمام کارم در خانه بهداشت، وقتی به منزل برمی‌گشتم چند نفر از سالمندان روستا را دیدم که سرکوجه، به قول قدیمی‌ها محفل دوستانه‌ای داشتند. یکی از آنها به فشارخون بالا مبتلا بود ولی با وجود پیگیری‌های مکرر من هیچ‌وقت به خانه بهداشت مراجعه نمی‌کرد. بسرعت به